

## کمپین طبقاتی برای افزایش دستمزدها

دی، بهمن و اسفند، ماههای مبارزه برای افزایش دستمزدها در ایران است. نشانه های نبرد امسال نیز، در جنب و جوش و اعتراضات کارگری و یا در "هشدار"های هفته های اخیر کمالی وزیر کار، خواجه نوری معاون او و صادقی از مقامات خانه کارگر جمهوری اسلامی، از هم اکنون پیداست. جمهوری اسلامی می خواهد تحت لوای یک افزایش اسمی حداکثر ۲۰ درصدی، از یکسو عملاً دستمزد واقعی و معیشت کارگران را کاهش دهد، و

از سوی دیگر با جلو انداختن شوراها ی اسلامی مانع حرکات رادیکال و سراسری کارگری شود. در حالیکه خط فقر حدود ۱۴۰ هزار تومان است، افزایش جدی دستمزد تنها میتواند چند برابر حداقل دستمزد موجود باشد. زبان هر کارگری باید بر سر جمهوری اسلامی دراز باشد. با افزایش قیمت نفت و ذخائر ارزی دولت، بهانه همیشه دروغ "پول نداریم" کاملاً رنگ باخته است. ارقام بودجه امسال نشان میدهد که چگونه دولتی که دستمزد نازل صدها هزار کارگر را

نپرداخته میلیاردها تومان خرج دستگاههای رنگارنگ تحقیق مذهبی، پلیس و ارتش و پاسدار و وزارت اطلاعاتش میکند. برای تحمیل افزایش واقعی دستمزدها، کارگران باید دقیقاً آنچه را که حکومت اسلامی از آن وحشت دارد - یعنی نیروی مبارزه متحد و سراسری خود را به میدان بیاورند.

زمینه برای تحمیل مطالبات کارگران از هر زمان بیشتر آماده است. حکومت اسلامی در اوج چند دستگی و زیر ضربات اعتراضات اوج یابنده مردم، درمانده و ضعیف

است. هر پیشروی کارگران برای بهبود معیشت، حمایت کل محرومان جامعه را برخواهد انگیخت. به میدان آمدن کارگران با استقبال مردم عاصی از وضع موجود مواجه خواهد شد. این میتواند اهرم موثر طبقه کارگر برای تغییر فوری اوضاع اقتصادی و سیاسی و زمینه عروج قدرت کارگری باشد.

پرداخت فوری دستمزدهای معوقه، بیمه بیکاری مکفی برای همه بیکاران و افزایش بالای دستمزدها مطالبه فوری و سراسری همه کارگران است. در

صفحه ۲

## انترناسیونال هفتگی

حزب کمونیست کارگری ایران

سر دبیر: منصور حکمت  
www.haftegi.com

# ۳۵

۱۶ دی ۱۳۷۹  
۵ ژانویه ۲۰۰۱

جمعه ها منتشر میشود

صفحه ۴  
**فلسطین:**  
مانورهای لحظه آخر

صفحه ۴  
**فراخوان به آکسیون فوری**  
برای جلوگیری از سنگسار یک زن در ایران

"کاش خرداد نرسد!"  
صفحه ۲

**فوتبال: نافرمانی جوانان**  
صفحه ۳

**بازی با آتش**  
صفحه ۳

**به حزب  
کمونیست کارگری  
کمک مالی کنید!**



## آمد نیامد خاتمی!

مصطفی صابر  
mosaber@yahoo.com

رسیده اند خواهند رسید. چنین است که آمد نیامد خاتمی به نقطه تعادل جدید در کشاکش جناح های جمهوری اسلامی تبدیل شده است. هیچکدام او را مناسبترین نمی دانند اما جرئت "عبور از خاتمی" را هم ندارند. چرا که میترسند تعادل بهم بخورد، دخالت و اعتراض مردم از شکاف بین آنها فوران کند، یا کار به زده خورد نظامی بین خودشان بکشد و یا هردو. خاتمی فعلاً آن "رسمان (یا سیم بکسل) الهی" است که کامیون جناح ها را، که هریک به سویی

صفحه ۳

مجدد او، اگر انتخاباتی در کار باشد و کاندید شود، بهر حال ایده آل جناح راست نیست. دوم خرداد هم خاتمی روی دستش مانده است. یک انتخاب ناگزیر است. میدانند که خاتمی کارت سوخته است. دائم دارند لایه میکنند که خاتمی توجه و اشتیاق کسی را بر نمی انگیزد. باز بقول همان روزنامه حداکثر "ضربه گیر" جناح راست خواهد شد. آنچه برای دوم خرداد مانده اینست که خاتمی قهر و ناز کند تا مگر امتیازی برای آمدنش بگیرد. بقول آغازی باید "تضمینی" داد که چهار سال دوم خاتمی مثل چهار سال اولش نباشد. اما اگر واقعا بخواهند به چنین تضمینی برسند آنوقت باید فیلم این چهار ساله را دوباره از سر بگذارند. خیلی که شانس بیاورند به اینجا که

هر دو جناح اینک به خاتمی بسته شده است. گویا مشکلی اینست که اگر احیاناً خاتمی نیاید حضرات چه خاکی باید بر سر کنند. این به جای خود. اما آنسویش، اگر نه بیشتر، دستکم همان اندازه حقیقت دارد: اگر خاتمی بیاید نیز حضرات خاکی ندارند به سر کنند.

جناح راست، بقول "دوران امروز" روزنامه دوم خردادی، "وادار یا مجاب" شده است که از نامزدی مجدد خاتمی حمایت کند. خاتمی با همه خاصیتش در انطباق با محیط، بهر حال جناح راستی نیست و نبوده است. انتخاب

هفته قبل، هفته نامه سیاست نوشت که خاتمی در جلسه ای گفته است که بطور قطع کاندید انتخابات آینده نخواهد شد. سیل تکذیب از سوی دوم خرداد سرازیر شد. محمدرضا خاتمی نفس وجود آن جلسه، چه رسد به اظهارات آنرا انکار کرد. محتمشی اطمینان داد که به قوت الهی خاتمی می آید. لاری گفت اگر خاتمی نمی خواست بیاید که کابینه اش را ترمیم نمی کرد، لابد هنوز امید به اجرای برنامه هایش دارد. این ها تیتر روزنامه ها شد، نه فقط دوم خردادی که متعلق به جناح راست. ظاهراً بند ناف

رادیو انترناسیونال را روی اینترنت بشنوید  
www.radio-international.org

رادیو انترناسیونال  
۹ تا ۹/۴۵  
بوقت تهران  
۴۱ متر  
۷۵۲۰ کیلوهرتز

به دیگران اطلاع بدهید  
radio7520@yahoo.com

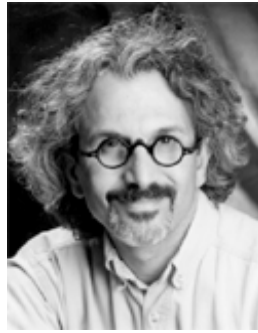
تلفن  
0044 771 461 1099  
مرکز اطلاعات  
و پیامگیر رادیو:  
0044 208 962 2707

## آزادی، برابری، حکومت کارگری!

حاکمانش آنها هستند مشروعبت میدهد و در قبال این امتیاز دهی باید امتیازی بگیرد. و آن امتیاز این است که طرف مقابل خاتمی باید اجرای شعارهای خاتمی را بپذیرد. و در چپهای را برای بازی و مانور جناح خاتمی باز گذارد. این چهارچوب محتمل ادامه ریاست جمهوری خاتمی است. اگر مردم فرصتی برای رژیم باقی گذارند.

رژیم اسلامی در بن بست است. راه پس و پیش ندارد. تلاطمات اجتماعی وسیعی در راه است. این واقعیت را علیرضا رجایی تیزبینانه تر از دیگران می بیند. میگوید: "نیروی عظیمی در ایران وجود دارد که وارد سطح منازعات سیاسی نشده است. . . بخشی از آنها نیروهای معترضی هستند که نمایندگان سیاسی خود را پیدا نکرده اند و معتقدند که نیروهای درگیر در منازعات سیاسی آنها را نمایندگی نمیکنند، آنان نیروهای بالقوای هستند که ممکن است خاموشی فعلیشان مستمر نباشد. .. لذا این احتمال وجود دارد که ما درگیر زنجیرهای از بحرانهای خفته باشیم که این بحرانها در شرایطی که شکافهای سیاسی وسعت پیدا میکنند، بروز یابند." این نیرو وارد میدان نبرد سرنوشت ساز برای آینده خواهد شد. این نیرو نمایندگان سیاسی خود را پیدا خواهد کرد! این نیرو کمونیسم کارگری را به جلوی صحنه سیاست در ایران خواهد راند.

۸۰ باید به گونه ای باشد که امکان انجام اصلاحات فراهم شود، در غیر اینصورت نه آقای خاتمی و نه هیچکس دیگری نمیتواند پاسخگوی شعارهای خود باشد. دوم خرداد مستاصل است. از طرفی به راست التماس میکند تا کاندیدایی جدی وارد میدان کند و به انتخابات اسلامی رونقی دهد. از طرف دیگر واقف است که حتی رونق انتخابات نیز دردی را برایش درمان نخواهد کرد. میدانند که ادامه وضعیت فعلی، ادامه اضمحلال رژیم است. تحلیلگران دوم خرداد سخت در جستجوی راهی برای خروج از بن بست اند. یکی میگوید "باید انتخابات را تبدیل به فرآیندی برسر اصلاحات کرد". دیگری میگوید: "اگر این فشارها همچنان ادامه پیدا کند، حضور مجدد خاتمی با بیش از ۲۰ میلیون رای چه فایده دارد؟" اما مجاهدین انقلاب اسلامی عواقب انجام "فرانگوم" و عواقب عکس العمل مردم را به یادشان می آورند. "در شرایط فعلی فرآیندوم به صلاح نیست". ترسان از روی آوری به پائین به معامله و توافق با جناح راست روی می آورند. ابراهیم شیخ از اعضای مرکزی دفتر تحکیم وحدت در همایش "انتخابات ۸۰ در بستر منافع ملی" چهارچوب این سازش را روشن میکند: "خاتمی در مقابل حضور خود یک امتیاز را به جناح مقابل میدهد به این معنا که به نظامی که بخشی از



یک نوع گره خوردگی سیاسی برسیم، بحران صورت میگیرد و سریعاً لایه های دیگری را نیز در بر میگیرد و غیر قابل کنترل میشود به طوری که بحران سیاسی تبدیل به بحران اجتماعی و فرهنگی میشود. دوم خرداد نگران روند رادیکالیزه شدن جامعه و گسترش صفوف جنبش توده ای برای سرنگونی است. یونسی وزیر اطلاعات جنبه دیگری از این واقعیت را بیان میکند. "حجم تبلیغات علیه جمهوری اسلامی آنقدر وسیع است که شاید در تاریخ کمتر سابقه داشته باشد." در چنین شرایطی هیچیک از دو جناح رژیم به استقبال انتخابات نمیروند! این انتخابات قرار نیست سنگری را برای جناحی فتح کند. عباس عبیدی عضو شورای مرکزی جبهه مشارکت این واقعیت را به نیروهای خودی یاد آوری میکند: "آمدن خاتمی مشکلی را حل نمیکند" و تاکید میکند که ورود "خاتمی به صحنه انتخابات، مسئله فرعی و زمینه انتخابات ۸۰ است" و اضافه میکند "انتخابات

## "کاش خرداد نرسد!"

علی جوادی

ali\_javadi@yahoo.com

باشد. راست در انتظار مردم منفورتر و اسلامی تر از این حرفهاست. بعلاوه رغبتی هم ندارد تا پست ریاست جمهوری را در برابر خاتمی در "انتخابات" تصرف کند. برعکس، میکوشد خاتمی را از آن خود و هم شکل خود کند. بیجهت نیست که محمد رضا تاجیک، مشاور خاتمی، میگوید "محافظه کاران قصد مصادره شخصیت و گفتمان خاتمی را دارند." تحلیلهای بعدی نیز نشان داد که در واقع دوم خرداد چندان هم نگران عدم تکرار "حماسه دوم خرداد" نیست. این واقعیت فرضشان است. اما در این میان مشاور خاتمی جوهر واقعی نگرانی دوم خرداد را از رسیدن زمان انتخابات بی تعارف بیان میکند: "آستانه انتخابات در جامعه ما استعداد تبدیل به آستانه بحران را دارد." واقعیتی است. "آستانه انتخابات" میتواند شروع یک اعتراض وسیع و سراسری، به وسعت ایران، بر علیه رژیم اسلامی باشد. دوم خرداد بو کشیده است. طوفان در راه است. نگران پی آمدهای این طوفان است.

دوم خرداد از حرکات اعتراضی مردم در هراس است. محمد رضا تاجیک به بررسی عواقب "آستانه بحران" می پردازد. اضافه میکند: "باید بدانیم که اگر به

چندی پیش روزنامه "حیات نو" نشریه اخوی رهبر مطلبی در ارتباط با "انتخابات ۸۰" درج کرده بود که تیتیر گویایی داشت. "کاش خرداد نرسد!" مقاله به "مانورهای" جناح راست و نگرانیهای این جناح از تکرار شکست "انتخابات ۷۶" اشاره میکند. کودتاه تلاش میکند تا پروژه "نافرمانی مدنی" را مانوری از جانب نیروهای راست برای ایجاد شکاف در این جبهه معرفی کند. مقاله کوشیده است تا اعتراضات مردم را "حادثه آفرینیهای اراد و اوباش" و محصول پروژه "نافرمانی سازی محافظه کاران تا انتخابات ۸۰" قلمداد کند. اما در عین حال بیانگر نگرانی و اضطراب عمیق خود دوم خرداد از فرا رسیدن "انتخابات ۸۰" است. "کاش خرداد نرسد!" ایکاش میشد وضع موجود را حفظ کرد!

دوم خرداد نگران موقعیت و سرنوشت نظام اسلامی است. اما نگران پیشروی راست در "انتخابات" نیست. البته اگر تا آزمون بساط انتخابات اسلامی همچنان برپا

از صفحه ۱

کمپین افزایش دستمزدها"

ماههای اخیر مبارزه کارگران برای این مطالبات بشدت افزایش یافته است. از راهپیمایی در سطح شهر تا برپایی پیکت در برابر مراکز حکومتی، بستن جاده و خیابان، تا اشغال دفاتر روزنامه ها و خبرگزاریها به منظور انتشار اخبار و قطعنامه های اعتراضات کارگری همه و

همه در کنار اشکال سنتی اعتصاب و تحصن میتواند در کمپین طبقاتی افزایش دستمزدها مورد استفاده قرار گیرد. برپایی مجامع عمومی و تصویب قطعنامه مبنی بر افزایش سراسری دستمزد میتواند نیروی متحد کارگران را به میدان آورد و ارتباط نمایندگان مجامع عمومی کارخانه ها و مراکز مختلف میتواند امکان رهبری عملی منطقه ای و سراسری را تامین کند. در یک کلام، میشود و باید ولوله ای در

سطح کشور راه انداخت. باید همه ببینند که کارگران بصورت یک طبقه برای افزایش دستمزدها به میدان آمده اند. در مقابل چنین قدرتی جمهوری اسلامی، به ناچار عقب خواهد نشست.

زنده باد اتحاد سراسری کارگران برای افزایش دستمزدها

حزب کمونیست کارگری ایران  
۱۵ دیماه ۱۳۷۹  
۴ ژانویه ۲۰۰۱

آذر مدرسی رئیس هیات دبیران 0049-172 7823746  
اصغر کریمی دبیر کمیته خارج 0044-771 4097928  
رحمان حسین زاده - دبیر کمیته کردستان: 0046-739 855 837  
محمد آسنگران روابط عمومی کمیته کردستان: 0049-177 569 2413  
بهروز مدرسی - دبیر سازمان جوانان کمونیست: 0049172 295 7603

## انجمن مارکس لندن

شنبه ۲۰ ژانویه

تاریخ شفاهی چپ

از گومه له تا حزب کمونیست ایران

حسین مرادیگی ایرج فرزاد، منصور حکمت

ورودیه ۶ پوند

ورود اعضای انجمن مارکس لندن رایگان است

Email: marx society@yahoo.com

Tel: 0771 461 1037

ورود برای عموم آزاد است

مرگ بر جمهوری اسلامی! زنده باد جمهوری سوسیالیستی!

# بازی با آتش

siavash.d@yahoo.com

سیاوش دانشور



اظهارات اخیر علیزاده رئیس دادگستری تهران گویای حقایق مهمی در باره ماهیت رژیم جمهوری اسلامی است. عربده کشی جناح راست مبنی بر دار زدن، دست و پا بریدن، قصاص و اجرای مجازاتهای اسلامی در ملا عام مورد جدیدی نیست. این تنها زبانی است که در دهان اسلام و حکومت اوباش اسلامی بهتر میچرخد. تا امروز با همین زبان حرف زدند و البته در اسلامیزه کردن جامعه ایران ناتوان ماندند. چند ماه پیش بدنبال تبدیل عاشورا و مراسم امام زمان در اصفهان به پارتنی و رقص جوانان، شهرودی رئیس قوه قضائیه به اصفهان رفت و سیاست اجرای مجازاتهای اسلامی در ملا عام را اعلام کرد. تشکیل "ستاد مبارزه با مفساد اجتماعی" در تهران بدستور قوه قضائیه و تحت مسئولیت علیزاده رئیس دادگستری ادامه این سیاست و عکس العملی به بازی روزمره جوانان و مردم با کل "مقدسات اسلامی" است. میگویند هدف تشکیل این ستاد مقابله با "اختلاط زنان و مردان" و رواج مشروبات الکلی و غیره است. مسئله صرفا این نیست

که این سیاست در شرایط امروز ایران و همینطور در متن معضلات داخلی و بین المللی رژیم اسلامی قابل اجرا نیست و جوانان و مردم تنها به ریش حضرات میخندند. اگر قرار بود راه انداختن مجدد بساط چاقو کشی و دار زدن دوران "امام راحل" شان محلی از اعراب داشت باشد، دیگر نیازی به دوم خرداد و به صحنه آمدن و رفتن شخصیتهای پیشکسوت در قلم زنی و اسید پاشی دیروز و "متفکران دگر اندیش" و آخوندهای اهلی و "مدنیزه" شده امروز که نبود. در شرایطی که خودشان اعتراف میکنند که نظام اسلامیشان سن متوسط فحشا را به ۱۳ سال رسانده، فحشا به یکی از منابع در آمد بخش از مردم محروم تبدیل شده است، روزی پنج تن مواد

مخدر فقط در تهران توزیع میشود، بحث کردن از مقابله با "اختلاط زنان و مردان" و مشروبات الکلی چرند است. اینها خود مسبب راندن جامعه ایران به کام فقر و فلاکت بی سابقه، بیکاری مزمن، اعتیاد و فحشا چند میلیونی هستند. رژیم اسلامی مظهر یک فساد اجتماعی تمام عیار است و زندگی دهها میلیونها انسان را به تباهی کشانده و یک جامعه را در آستانه انهدام کامل قرار داده است. این احمق ها خودشان میدانند این سیاستها فقط حال مردم را بهم میزند و بیشتر جری شان میکنند. اما چرا رژیم اسلامی به این مانورها دست میزند و سیاستهایی را اعلام میکند که دیگر مردم را مرعوب نمیکند؟

این سیاستها ریشه در تناقضات بنیادی نظام جمهوری اسلامی با واقعیات اجتماعی جامعه ایران دارد. ریشه در بن بست سیاسی و ایدئولوژیک، اقتصادی و فرهنگی این رژیم و تلاش جامعه ایران برای عبور از جمهوری اسلامی دارد. ریشه در عروج سکولاریسم و موج عظیم برگشت علیه مذهب و قوانین دست و پاگیر مذهبی و نفی دخالت مذهب در زندگی مردم دارد. ریشه در به میدان آمدن میلیونی جوانان و مردم ایران و یک جنبش توده ای سرنگونی طلب و آزادیخواه برای نفی جمهوری اسلامی دارد. ریشه در سیر اضمحلال و تلاشی رژیم اسلامی و بی افقی و تجزیه و تشتت اجزا تشکیل دهنده آن دارد. دوم خرداد تلاشی از دورن رژیم برای کش دادن این اوضاع، برون رفت از بحران، و قالب زدن به نخواستن مردم بود. پدیده دوم خرداد، همانند پدیده های مشابه در دوران عقب نشینی رژیمهای دیکتاتوری، نیامده دود شده و هوا رفت. هر دو جناح رژیم هر درد بی درمانی باهم داشته باشند در حفظ نظامشان و تقابل با سکولاریسم بعنوان یک "خطر" توافق دارند. هر دویشان از راست دو آتشه مدرسه حقانی

## فوتبال: نافرمانی جوانان

تظاهرات گسترده جوانان و توده مردم در پایان مسابقه فوتبال دو تیم استقلال و پیروزی بازتاب خشم و نفرت عظیم اجتماعی علیه رژیم جمهوری اسلامی بود. رسانهها و مقامات ورزشی و غیر ورزشی رژیم اسلامی در تلاشی سبک خواستند، این واقعه را کشمکش میان طرفداران دو تیم و در همان چارچوب "تعصبات ورزشی" تعریف کنند. این "تحلیل" چنان بی مایه بود، که بعضیها از جمله نشریه همشهری را هم به صرافت تحلیل "عمیقتر" انداخت و در ارزیابی "اجتماعی-جنایی" از این واقعه منکر ارتباط این "تعصبات و کشمکشهای تیمی" با وقایع سیاسی جامعه و کشمکشهای مطرح در آن نشد.

تظاهرات گسترده جوانان و تماشاچیان فوتبال در روز جمعه ۹ دی ماه نه ادامه زدو خورد چند دقیقه قبل بازیکنان در زمین، بلکه در ادامه اعتراضات گسترده مردمی در سراسر ایران، در ادامه ۱۸ تیرها و خرم آباد و خلخال و سنندج و رشت و تبریز و اصفهان و ... بود. مقامات رژیم و نیروهای انتظامی از قبل و پیش از هر کس دیگری به این امر واقف بودند که اجتماع دهها هزار نفری جوانان و مردم، منتظر سوت پایان بازی و شروع تظاهرات عظیم علیه رژیم از صفحه ۱

### آمد نیامد خاتمی!

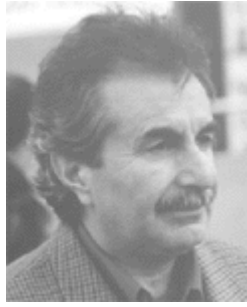
می کشند، بهم متصل نگاه داشته است. این سیم دیر یا زود می برد. همه چیز را به انتخابات بعدی گره زده اند اما تا آنجا که به این انتخابات بر میگردد همه چیز در هاله ابهام است، همه بلا تکلیف اند، همه چیز ساکن است. سکون قبل از توفان است. سرنوشت انتخابات آتی را خاتمی و دوم خرداد و یا جناح راست رقم نخواهد زد. مردمی که در کارخانه و خیابان و دانشگاه

هر روز و هر جا که امکان جمع شدن بیابند علیه جمهوری اسلامی اعتراض میکنند، حکم نهایی را خواهند داد. این میتواند حتی قبل از آنچه می باشد که به آن انتخابات می گویند. اما خود این انتخابات هم فرصتی فراهم می آورد تا مردم بطور همزمان و سیاسی علیه جمهوری اسلامی اعتراض کنند. روزی که به خیابان ها بریزند و هر صندوق رای گیری را به محل اجتماع و تظاهرات علیه انتخابات و علیه موجودیت جمهوری اسلامی تبدیل کنند.

## انترناسیونال هفتگی را در ایران و خارج تکثیر و پخش کنید

## فلسطین : مانورهای لحظه آخر

مانع اصلی صلح قومپرستی اسرائیل است



### فاتح شیخ الاسلامی

دور تازه گفتگو میان مقامات فلسطینی و اسرائیلی با وساطت کلینتون، که در واقع تلاش آخر کلینتون در این عرصه است، این ویژگی را دارد که تنها شخصیت واقعی آن یاسر عرفات است. کلینتون برای زنده کردن روند مرده پروسه ای که هفت سال میانجیگری اش را به عهده داشته دو هفته بیشتر وقت ندارد. او اکنون در واقع یک مقام تشریفاتی بیش نیست زیرا سیاست تاکنونی او در این عرصه برای جانشینش اعتباری ندارد. موقعیت باراک از این هم سست تر است. همه میدانند که صحبت از صلح برای باراک جز یک تاکتیک انتخاباتی در مقابل شارون و حزب لیکود، برای جلب آراء اسرائیلیان صلح طلب نیست، همچنانکه فرمان او به ارتش برای آمادگی جهت یک جنگ منطقه ای هم یک تاکتیک دیگر انتخاباتی برای جلب آراء

جنگ طلبان است. در نتیجه این گفتگو برای هیچیک از طرفین و طرف میانجی پایه محکمی ندارد. اینکه یاسر عرفات پس از دو دور مذاکره با کلینتون، بالاخره طرح او را با "ملاحظاتی" بعنوان مبنا پذیرفته و موافقت کرده است که دوازده روز دیگر هم مذاکره ادامه یابد! فقط برای اینست که اسرائیلی ها و شخص باراک نتوانند تاوان بن بست صلح را به دوش او و طرف فلسطینی بیندازند.

از طرف دیگر ببینیم "ملاحظات" یاسر عرفات بر طرح کلینتون چیست؟ از سه مساله مورد مناقشه، موضوع تپه اماکن مذهبی یک مساله ایدئولوژیک - تبلیغی است که بیشتر تحت فشار اسلاميون و برای خنثی کردن این فشارها برجسته شده است. راه حل این مساله بین المللی کردن نظارت بر آن نقاط است که از چندی پیش توسط مقامات فلسطینی هم طرح شده است و به احتمال زیاد سرانجام از جانب سازمان ملل هم طرح

خواهد شد. مساله دوم حدود مناطق اشغالی ساحل غربی و نوار غزه است که به حکومت فلسطینی پس داده میشوند. معضل اینجا در ارتباط با شهرک های یهودی نشین است، که در یک چشم انداز واقعی صلح قابل حل است. اما مساله سوم یعنی حق بازگشت جمعیت سه ملیونی آوارگان فلسطینی یک مساله اساسی، هم از بعد انسانی و هم از بعد سیاسی، برای فلسطینیان است و به مثابه خط قرمزی است که یاسر عرفات نمیتواند آن را نادیده بگیرد؛ در حالیکه طرح کلینتون بیشرمانه حق بازگشت این آوارگان را زیر پا میگذارد و دولت اسرائیل هم با اعلام "غیر قابل مذاکره" بودن این موضوع، سیاست راسیستی مادام العمر خود در عرصه پاکسازی قومی به نمایش گذاشته است.

این دور از "گفتگو" در واقع آخرین صحنه از "پروسه صلح" است که مرده است و امیدی به

زنده کردن آن نیست. خصوصیات مراحل آتی گفتگو میان فلسطین و اسرائیل به بعد از انتخابات اسرائیل و دست به کار شدن عملی بوش رئیس جمهور جدید آمریکا موکول میشود. پروسه صلحی که روزهای آخر عمرش را میگذراند در تحقق صلح به جایی نرسید اما در مورد دولت و نظام سیاسی اسرائیل حقایق مهمی را عریان تر از پیش نشان داد.

پیشرفت پروسه صلح خاورمیانه و تشکیل دولت فلسطین، به رغم همه مشکلات و پیچیدگیها، در اوضاع جهانی و منطقه ای پس از جنگ سرد امری غیرممکن نبود و هنوز هم غیرممکن نیست. به رغم جنگ طلبی و تجاوزگری دولت اسرائیل و با اینکه میانجی اصلی صلح یعنی دولت آمریکا خود یک منشا مهم جنگ و تجاوز در جهان نیم قرن گذشته بوده است، موجبات عینی نیرومندی طی ده سال گذشته هر دو آنها را به ضرورت پذیرفتن صلح و حل مساله دیرین فلسطین وادار میکرد. یقیناً حل همه معضلات خاورمیانه و رابطه این منطقه با جهان سرمایه داری و قدرتهای غربی در چارچوب این پروسه نمیگنجد ولی میشود امیدوار بود که اگر این پروسه به تشکیل یک دولت مستقل فلسطینی منجر شود حل مسائل و معضلات خاورمیانه هم

گامهایی به جلو بردارد. اما چنین نشد؛ و لااقل امروز چشم انداز روشنی برای از بن بست خارج شدن و به نتیجه رسیدن پروسه صلح دیده نمیشود. بن بست این پروسه که با قتل رابین و سپس روی کار آمدن نتانیاهو شروع شد، پس از بازگشت به قدرت حزب کارگر هم ادامه یافت و شش ماه پیش با شکست مذاکرات کمپ دیوید تکمیل شد. هیچ ناظر سیاسی منصفی نمیتواند منکر شود که عامل اصلی این بن بست، صلح ستیزی بنیادی اسرائیل است. اعم از اینکه حکومت در دست کدام یک از دو حزب اصلی باشد نظام سیاسی قومی مذهبی اسرائیل در هیات تاکنونی آن بسیار مشکل است که بتواند با وجود یک دولت فلسطینی در مجاورت خود کنار بیاید. در گورداد جدالهای واقعی و تغییرات ضروری ناشی از تغییر اوضاع جهان و موقعیت منطقه، البته سرانجام این دولت اسرائیل است که باید تن به تغییر بدهد؛ یا جام زهر صلح را سر کشد و یا از سر راه زندگی و صلح خواهی مردم اسرائیل و منطقه کنار برود و جای خود را به یک نظام سیاسی سکولار غیر قومی غیرمذهبی بدهد که قادر باشد حقوق مساوی شهروندی را برای اتباع خود، اعم از عرب و یهودی و غیره، بپذیرد و متحقق کند.

## فراخوان به آکسیون فوری برای جلوگیری از سنگسار یک زن در ایران



باید بهر وسیله ممکن جلو انجام این جنایت بیشرمانه جمهوری اسلامی گرفته شود. ما مخالف سنگسار، مخالف حکم اعدام و مخالف کشتار انسانها بهر دلیل و بهانه ای هستیم. ما از همه سازمانهای مترقی و انساندوست، از سازمانهای مدافع حقوق زنان و همه مردم معترض میخواهیم که فوراً به این حکم ارتجاعی جمهوری اسلامی اعتراض کنند. با عکس العمل بین المللی وسیع میتوان جلو

دو منشا نه و ضد بشری است. جانپان حاکم بر ایران این احکام قرون وسطی را به قانون جاری در جامعه تبدیل کرده اند. تا کنون صدها زن در ایران سنگسار شده اند. اما اعتراضات چند سال اخیر جمهوری اسلامی را محتاط کرده بود. این بار با اعلام حکم سنگسار یک زن یکبار دیگر میخواهند عکس العمل مردم و همچنین عکس العمل بین المللی نسبت به این فاجعه را آزمایش کنند.

جمهوری اسلامی باردیگر حکم سنگسار یک زن را صادر نمود. این حکم روز سوم ژانویه به همراه حکم اعدام یک مرد جوان در مهر شهر کرج در روزنامه "دوران امروز" انتشار یافت. در همین تاریخ یک پسر جوان ۲۲ ساله در شهر اصفهان و در ملاء عام به دار آویخته شد. سنگسار یعنی کشتار فجیع زنانی که تا سینه آنها را در خاک فرو کرده و با پرتاب سنگ زجرکش میکنند. این یک رفتار

که نباید این زن را سنگسار کند. و عملاً جلو سنگسار یک زن گرفته شد.

این بار باید وسیعتر و قدرتمندتر از قبل به مقابله با حکومت جنایتکار اسلامی پرداخت. ما از همه سازمانهای مدافع حقوق انسانی، سازمانهای مدافع حقوق زنان و همه مردم معترض در سراسر جهان میخواهیم که به این حکم ضد انسانی اعتراض کنند. فقط با یک اقدام مشترک بین المللی میتوان جلو این فاجعه انسانی را گرفت.

مینا احدی از کمپین بین المللی دفاع از حقوق زنان در ایران ۳ ژانویه ۲۰۰۱

اجرای این احکام را گرفت. همچنانکه در اکتبر سال ۱۹۹۹ با اعلام آکسیون بین المللی کمپین دفاع از حقوق زنان در ایران در دفاع از یک زن که حکم سنگسار گرفته بود، و حمایت وسیع سازمانهای دفاع از حقوق زنان و ارسال بیش از ۳۰۰ نامه اعتراضی از سوی سازمانهای بین المللی به جمهوری اسلامی فهاوند

سایت های حزب و نهادهای نزدیک به حزب روی اینترنت

www.haftegi.com  
www.wpiran.org  
www.rowzane.com  
www.hambastegi.org

www.iwsolidarity.com  
www.medusa2000.com  
www.marxsociety.com  
www.kvwpiran.org

Bank Account:  
Z.I. Konto:  
520 5164 008  
BLZ: 10090000  
Beliner Volksbank  
Germany

Website:  
www.haftegi.com  
Email:  
haftegi@yahoo.com  
Fax: 0044-8701207768

انترناسیونال هفتگی

Address:  
BM Box 8927  
London  
WC1N 3XX  
England